

« سه فازِ » تاریخِ معاصرِ مجاهدین
(ازدواج های سه گانهء « رهبرِ اخص »)

(۷)

محمد ایل بیگی



« بنیانگذارِ میلشیا »

« واقع بینی » را ببینید : پیرو فرمانِ امام برای « بسیج ارتش ۲۰ میلیونی » ، « میلشیا » تشکیل دادند تا بعدها ... همین « امام » را توسطِ آن به « زباله دان تاریخ » بفرستند ! در گرماگرمِ بازارِ « مبارزهء ضدامپریالیستی » (« تسخیر لانهء جاسوسی ») ، تشکیلِ میلشیا الویت داشت و نه « پاسخ به یاوه های عروسکهای ارتجاع » ! که حتی « در اوج مبارزات شکوهمند ضدامپریالیستی » (« عروسکهای کوکی ارتجاع » ، « مجاهد » ، ش ۱۵ ، ص ۵ ، س ۱) ، علیرغمِ « فرمان امام » دایر براینکه :

قشرهای ملت با هر مسلکی که دارند و با هر فکر سیاسی که دارند لازم است وحدت خود را حفظ نمایند - امام خمینی
(« سرلوحه » همان مقاله ، همان ش ، همان ص)

علیرغمِ هشدارِ « مجاهد » :

یورش مجدد به نیروهای انقلابی ، نقض خط امپریالیستی امام
(دومین تیتِرِ بزرگِ « مجاهد » ، ش ۱۵)

به « پیروان توحید ناب » (« وحدت اصولی مبرمترین مسئله روز » ، « مجاهد » ، ش ۱۵ ، ص ۲) حمله می کردند . گرچه به برکتِ « نقش وحدت طلبانه و انقلابی دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی » (همانجا) از فشار این حملات کاسته شد :

پس از اقدام شجاعانه دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی دیده شد که بسیاری از کارها بروفق مراد انقلابیون
اصیل ادامه می یابد ، فشارهای نیروهای مرتجع بر آنها تقلیل یافت ، حضور آنها در جامعه ملموس تر شد .
(همان مقاله ، همان ص ، س ۴ و ۵)

این روزها به برکت اوج گیری مبارزهء ضدامپریالیستی فضای سیاسی میهن ما از سلامتی بیشتری برخوردار شده است . و علیرغم نارسائی های ریشه ای که به دلیل برخوردار نبودن همه جانبه انقلاب از ایدئولوژی ضداستثماری کاملاً مشهود است ، ولی با پر رنگ شدن جنبه ضدامپریالیستی انقلاب ، امیدهای بیشتری را به تداوم حرکت بالندهء خلق بخشیده است .

(همان ، همان ص ، س ۳)

در آنچنان شرایطی ، طبیعتاً (!) بدنبال « خط تشکیل میلشیا » میبایست رفت تا بتوان بعدها ، سرآمدِ «عروسکهای کوکی ارتجاع » ، یعنی « امام خمینی » - پدر تمام ملت ایران * را به « زباله دان تاریخ ریخت » :

در شرایط کنونی اوج مبارزه ضد امپریالیستی و لزوم بسیج همه نیروها علیه آمریکای جهانخوار [که امروز کمتر «می خورد »] ، آیا در این شرایط ایجاد میلشیا ی مردمی و سازمان دادن نیروها جهت مقابله با امپریالیستها اولویت دارد یا پاسخ به یاهو های عروسکهای ارتجاع ؟
(« عروسکهای کوکی ارتجاع » ، « مجاهد » ، ش ۱۵ ، ص ۵ ، س ۲)

گفتهء بالا را با آنچه که در زیر - از زبان رجوی - می آوریم ، مقایسه کنید :

در دوم آذر ۱۳۵۸ میلشیا با هدف پایه ریزی ارتش مردم بنیان نهاده شد و این درست در زمانی بود که دجالگری های باصطلاح ضدامپریالیستی خمینی برای انحراف و تباهی همه ی انرژی های فوران یافته انقلاب ، اوج گرفته بود .
(« پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به میلشیا ی مجاهدین خلق بمناسبت سالروز تاسیس و سازماندهی میلشیا » ، نشریه « ، ش ۶۳ ، ۲۸ آبان ۶۱ ، ص ۲ ، س ۱)

« مجاهدین » تنها نیروی انقلابی سراسری بوده که از همان فردای انقلاب بهمن ماه با شناختی که از ماهیت ارتجاعی رهبری خمینی و آینده ی او داشت بجای خط « تشکیل حزب » [« جنبش ملی مجاهدین » چه بود ؟] ، با تمام قوا خط « تشکیل ارتش خلق » را برگزید . حتی در لابلای قضایای گروگانگیری ، ما مضافاً بر افشاء ماهیت خود رژیم خمینی [و در بالا دیدیم که به چه سان !] ، این خط را با « تشکیل میلشیا ی سراسری » تکمیل نمودیم .
(مصاحبه با « ایرانشهر » ، به نقل از : « نشریه » ، ش ۲۱ ، ص ۱۱ ، س ۲)

پیش از این ، بارها ، گفتیم که دراین نوشته ، خیال بررسی « تاریخ مجاهدین » را نداریم و توضیح دادیم که به چه مطالبی خواهیم پرداخت . اما گهگاه مجبوریم که ، برای روشن تر شدن بحث ، قدری از آن خارج شویم و « تک مضراب » بیائیم ! و یکی از این خارج « شدنها » ، پرداختن به همین مسئله « میلشیا » ست . در اینجا مجال پرداختن به تاریخچه آن نیست و تنها به این مطلب اشاره کنیم که آیا واقعیت دارد که :

مسعود رجوی نسل محبوب خود « میلشیا » را بنیاد گذاشت [؟]

(« اطلاعیه دفتر سیاسی و ... » پیش از این ذکر شده ، به نقل از : « مجاهد » ، ش ۲۴۱ ، ص ۸ ، س ۱)

همه چیز ممکنست ! اگرچه این بیان « دفتر سیاسی » - که در بالا آمد - و از جمله امضاء کنندگان آن ، مهدی براعی ، « عضو دفتر سیاسی » با گفته های « دو تن دیگر از اعضای مرکزیت » نمی خواند + و تازه این دو تن هم ضدونقیض گویند ! یکی از این دو تن ، « برادر مجاهد مهدی براعی عضو کمیته مرکزی و مسئول بخش اجتماعی س.م.خ.ا. » است که در مقاله « فرازهائی از زندگی و مبارزات اجتماعی فرماندهء والامقام شهید محمد ضابطی » ، چنین نوشت :

میلشیا ی مجاهد خلق ، دوران آموزش و گذران پروسهء رشد و کسب صلاحیت های انقلابی خود و ارتقاء در روابط

* تلگراف تبریک « مجاهدین خلق ایران » به « امام خمینی » و خلق کرد در باره ی پیام تاریخی « امام » (تاریخ ۲۷ آبان ۵۸) . به نقل از : « موصعگیری و نظرگاههای سازمان مجاهدین خلق ایران در باره ملیتها و کردستان / از پیروزی قیام بهمن ۵۷ تا آذر ۵۸ » . تاریخ ، محل انتشار و ناشر نامعلوم ، ص ۷ .

تشکیلاتی و تبدیل شدن به کادرهای مجاهدین خلق را ، **مرهون مجاهد شهید محمد ضابطی** است . بطوریکه **بحق باید اورا نه تنها بنیانگذار و سازمانده ی تشکیلات میلشیا ی مجاهدین خلق** ، بلکه از آموزگاران و رهبران ارزنده ی نسل انقلاب دانست .

(« مجاهد » ، ش ۱۴۹ ، ۸ اردیبهشت ۶۲ ، ص ۲۶ ، س ۱ . مشخص کردن کلمات در متن نیست .)

رشد و ارتقاء میلشیا ی قهرمان مجاهد خلق را ، چه در مرحله گسترش پایه ی سازمان و چه در مرحله ی سازماندهی در نهادهای مختلف اجتماعی ، و چه در مرحله ی آموزش تئوریک و چه در مرحله ی ارتقاء نظامی در **رابطه ی تنگاتنگ با تلاشهای انقلابی و شبانه روزی مجاهد شهید محمد ضابطی** [باید] دید .
(همان ، صص ۲۵ و ۲۶ ، س ۱ . مشخص کردن کلمات در متن نیست .)

بسیاری از کادرهای سازمان [...] از درون همین نسل [میلشیا] رشد کردند و نیروهای وسیعی در فاز بعدی به مدارج فرماندهی عملیات و نیروهای نظامی و ... رسیدند .
(همان ، ص ۲۶ ، س ۱)

در « مجاهد » شماره ۱۸۲ ، اطلاعیه ای از فرد دیگری به نام « **برادر مجاهد مهدی برای مسئول بخش اجتماعی و عضو مرکزیت س.م.خ.ا.** » ، « در باره اقدامات اجتماعی – تبلیغی " هفته میلشیا " » چاپ شده که مغایر با نوشته آن دیگری « **مهدی برای** » – که در بالا آوردیم – ، می باشد :

[میلشیا] نسل جاودان و فنا ناپذیر که تشکل آن با همین نام (میلشیا) به **ابتکار فرمانده ی عالی ما مسعود بنیاد گذاشته شد** [...] و تحت تعلیمات فرماندهی و سازماندهی شهیدهای والائی همچون محمد ضابطی به ثمر نشست .

(« مجاهد » ، ش ۱۸۲ ، ۲۴ آذر ۶۲ ، ص ۲ ، س ۲ . مشخص کردن کلمات در متن نیست .)

از شماره ۱۴۹ تا شماره ۱۸۲ چه مسیر طولانی ای که طی نشد ! این سؤال باقی می ماند که گفته چه کسی را باید پذیرفت ؟ آیا « **مهدی برای** » ، متولدقم ، عضو دفتر سیاسی « که » اطلاعیه دفتر سیاسی ... » را امضاء کرده است راست می گوید ، یا « **مهدی برای** مسئول بخش اجتماعی و عضو مرکزیت س.م.خ.ا. » و یا « **مهدی برای** عضو کمیته مرکزی و مسئول بخش اجتماعی س.م.خ.ا. » ؟ و سؤال دیگر : آیا این سه **مهدی برای** « با هم نسبت خانوادگی دارند ؟ » مدارج ترقی « را پیمودن ، سهل و آسان نیست !

... ادامه دارد .